

ناگفته‌هایی از تاریخ ابوطالب علیه السلام: تحلیل گزارش تاریخی خرگوشی (م ۴۰۷)

سید نبیل الحسنی / عبدالحسین طالعی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب علیه السلام»، تابستان ۱۳۹۴، ص ۶۲-۷۲

ناگفته‌هایی از تاریخ ابوطالب علیه السلام: تحلیل گزارش تاریخی خرگوشی (م ۴۰۷)

سید نبیل الحسنی

ترجمه و تلخیص: عبدالحسین طالعی *

چکیده: نگارنده متن تاریخی ابوسعید عبدالملک خرگوشی (متوفی ۴۰۷ قمری) در کتاب شرف المصطفی در مورد ابوطالب بن عبدالمطلب را تحلیل کرده و نتیجه می‌گیرد که بر اساس این گزارش، ابوطالب سومین فردی است که پس از حضرت علی و خدیجه علیها السلام اسلام را پذیرفته است. مقدمه‌ای کوتاه در مورد دخالت حاکمان در تاریخ اسلام و شرح حال کوتاه مؤلف در آغاز گفتار آمده است. **کلیدواژه‌ها:** خرگوشی، ابوسعید (متوفی ۴۰۷ قمری)؛ شرف المصطفی (کتاب)؛ ابوطالب بن عبدالمطلب - سیره؛ حسنی، نبیل - آثار؛ تاریخ اسلام - دخالت‌های حاکمان.

*. عضو هیئت علمی دانشگاه قم، دانشجوی دوره‌ی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران taleie20@gmail.com

آشنایی با نبیل الحسنی

نبیل الحسنی از پژوهشگران معاصر کربلا است که سالها با معاونت پژوهشی عتبه حسینی در کربلا همکاری داشته و حاصل این همکاری دهها کتاب است که بیشتر آنها را عتبه حسینی منتشر کرده است. برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. الجمال فی عاشوراء: درسه جمالیه وصفیه لواقعه الطف، ۱۴۳۳.
۲. المولود فی بیت الله الحرام: علی بن ابی طالب علیه السلام ام حکیم بن حزام؟ ۱۴۳۳.
۳. الاستراتیجیه الحریبه فی معرکه عاشوراء بین تفکیر الجند و تجنید الفکر ۱۴۳۵.
۴. الانثروبولوجیا الاجتماعیه الثقافیه لمجتمع الکوفه عند الامام الحسین علیه السلام ۱۴۳۰.
۵. الشیعہ والسیره النبویه بین التدوین والاضطهاد: شیخ کتاب السیره محمد بن اسحاق انموذجا ۱۴۳۰.
۶. تکسیر الاصنام بین تصریح النبی و تعظیم البخاری ۱۴۳۳.
۷. خدیجه بنت خویلد امه جمعت فی امراه ۱۴۳۲، ۴ ج.
۸. الیحموم فرس الامام الحسین علیه السلام فی عاشوراء ۱۴۲۹.
۹. باب فاطمه صلوات الله وسلامه علیها بین سلطه الشریعه و شریعه السطه.
۱۰. ثقافه العید والعیدیه ۱۴۳۵.
۱۱. حرکه التاریخ و سننه عند علی و فاطمه علیهما السلام: درسه اسلامیه معاصره ۱۴۳۰.
۱۲. حقیقه الاثر الغیبی فی التربه الحسینییه ۱۴۳۳.
۱۳. دعاء الامام الحسین علیه السلام فی یوم عاشورا: بین النظریه العلمیه و الاثرالغیبی. درسه اسلامیه معاصره ۱۴۳۱، ۲ ج.
۱۴. سبایا آل محمد، درسه فی تاریخ سبی النساء و عله اخراج الامام الحسین عیاله الی کربلاء ۱۴۳۳.

۱۵. هذه فاطمه صلوات الله و سلامه عليها: و هي قلبی و روحی التي بين جنبي النبي

المصطفى ﷺ ۱۴۳۴، ج ۸

۱۶. وفاه رسول الله و موضع قبره و روضته بين اختلاف اصحابه و استملاك ازواجه،

دراسه فى التاريخ و روايه الحديث ... ۱۴۳۴

۱۷. ظاهره الاستقلاب فى النص النبوى والتاريخى: حديث سد الابواب انموذجا ۱۴۳۵

۱۸. ما اخفاه الرواه من ليله المبيت على فراش النبي ﷺ ۱۴۳۳

۱۹. موجز السيرة النبويه ۱۴۳۳

کتاب «ابوطالب ثالث من أسلم» یکی از آثار نبیل الحسنی است که بر اساس گزارش تاریخی ابوسعید خردگوشی مورخ اهل تسنن (متوفی ۴۰۷) در باره ابوطالب نگاشته است. این کتاب را عتبه حسینی به سال ۱۴۲۹ منتشر کرده است که در این گفتار، ترجمه و تلخیص آن را می‌خوانیم.

مقدمه

دخالت حاکمان اموی و عباسی در تغییر تاریخ، یکی از اقدامهای آنان برای توجیه اقدامهایشان بود. آنان وقتی کارنامه آلوده خود را قابل انطباق با سیره مقدس نبوی ندیدند، کوشیدند تا گزارش سیره حضرتش را دستکاری کنند.

بدین روی اقدامهای مختلفی انجام دادند؛ به عنوان نمونه:

الف. ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: خالد قسری - که از سرکردگان بنی امیه بود^۱ - از یکی از گزارشگران دیوان خواست که برایش سیره‌ای بنویسد. کاتب گفت: وقتی من به سیره علی بن ابی‌طالب می‌رسم، آیا او را یاد کنم یا نه؟ گفت: نه، مگر اینکه چهره‌اش را

۱. خالد بن عبدالله قسری ابوالهثیم جبلی از سوی ولید بن عبدالملکه امیر مکه و از سوی هشام بن عبدالملکه امیر عراقین بود. (ابن عساکر ج ۱۶ ص ۱۲۵) ذهبی او را ناصبی دانسته که مردمان را شکنجه می‌داد و می‌کشت. (ذهبی، الکاشف ج ۱ ص ۳۶۶) نیز او را ناصبی و

ستمگر می‌داند. (میزان الاعتدال ج ۱ ص ۶۳۳: تاریخ الاسلام ج ۸ ص ۶۳)

در نهایت بدی و زشتی نشان دهی. (ابوالفرج، ج ۲۲ ص ۱۵؛ ابن صباغ ج ۱ ص ۵۳)^۱

ب. در دولت بنی عباس، همین سیاست ادامه یافت، گرچه آشکارا نبود. نخستین کسی که بطور منظم به تدوین سیره پرداخت، محمد بن اسحاق بود تا آنجا که به عنوان «شیخ السیره» لقب گرفت. مهمترین منبعی که اثر او را نگاه داشته، سیره ابن هشام است که در مقدمه خود، به ادعای اختصار و تهذیب، به مطالبی از ابن اسحاق اشاره می‌کند که در سیره ابن اسحاق بوده، ولی نه مستند قرآنی دارد و نه شاهدی بر آن داریم، همچنین اشعاری که هیچ یک از اهل ادب روایت نکرده اند. نیز مطالبی که بعضی را خوش نمی‌آید. (ابن هشام ج ۱ ص ۲) به دلیل این دستکاری که ابن هشام در سیره ابن اسحاق روا داشته، کار او را به خود نسبت داده، گرچه منبع اصلی آن ابن اسحاق است.

در این میان، ماجرای ابوطالب، اهمیت ویژه‌ای دارد. تحریف شخصیت این بزرگ مرد، می‌توانست در فضای قبیله محور آن روز، تمام بنی‌هاشم را زیر سؤال ببرد، به ویژه چهره نورانی امام امیر المؤمنین (ع) را که کینه‌هایی از او در دل داشتند.

آری، آنجا که تاریخ صحیح سخن بگوید - تاریخی که دستخوش چنین تحریف‌ها و تغییراتی نشده - با گزارشی روبرو هستیم، که پیوند استوار میان پیامبر با عمویش را، حتی سالها پس از رحلت او می‌نمایاند.

در روایت صحیح آمده که در جنگ بدر، وقتی عبیده بن حارث زخمی شد، عمویش حمزه و امام علی (ع) او را نزد پیامبر بردند. چشم پیامبر که به او افتاد، اشک از دیدگانش جاری شد. عبیده گفت: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت! آیا من شهید نیستم؟

فرمود: آری، تو نخستین شهید از خاندان من هستی.

عبیده گفت: اگر عمویت زنده بود، می‌دانست که من از او سزاوارترم به آنچه گفت.

۱. متن سخن خالد قسری حاوی جسارتی زشت به مقام مقدس امیر المؤمنین است که نگارنده، از ترجمهٔ عین آن معذور است.

پیامبر فرمود: کدام عمومی مرا نظر داری؟

گفت: ابوطالب که سرود:

كذبتهم وبيت الله نبراً محمد و لما نطاعن دونه و نناضل
و نصره حتى نصرع حوله و نذهل عن أبائنا و حلائل

پیامبر فرمود: نمی بینی که یک پسرش مانند شیر غرآن در رکاب خدا و رسول

می جنگد، و پسر دیگرش برای جهاد در راه خدا به سرزمین حبشه رفته است؟

گفت: یا رسول الله! آیا در این حالت (از این سخن) بر من خشم آوردی؟

فرمود: بر تو خشم نیاوردم، بلکه عمومی را که به یادم آوردی، اندوهگین شدم. (قمی ج

۱ ص ۲۲۶؛ مجلسی ج ۱۹ ص ۲۵۵؛ فیض ج ۲ ص ۲۸۱؛ حویزی ج ۲ ص ۱۳۲؛ مرتضی ج ۵ ص ۴۷) در نقلی از

طریق تسنن آمده که در این حال، پیامبر برای ابوطالب و عبیده دعای خیر کرد (ابن ابی

الحدید ج ۱۴ ص ۸۰؛ امینی ج ۷ ص ۳۱۶) در نقل دیگری از طریق تسنن آمده که عبیده گفت: کاش

ابوطالب زنده بود تا مصداق گفتارش را ببیند. (مصعب ص ۹۴)

اینک در این گفتار، می خواهیم برخی از حقایق مربوط به جناب ابوطالب را از یک

منبع تاریخی اهل تسنن مرور کنیم.

خرگوشی کیست؟

ابوسعید عبدالملک بن ابی عثمان محمد بن ابراهیم نیشابوری واعظ ملقب به شیخ

الاسلام و مشهور به خرگوشی (منسوب به محله ای در نیشابور به نام خرگوش) از

بزرگان شافعی در سده چهارم بود. برای تحصیل علم به دمشق و بغداد و مکه سفر کرد.

آثاری نوشت، از جمله: *تفسیر کبیر، دلائل النبوة، الزهد، البشارة و النذارة، شرف*

المصطفی که یکی از مشهورترین کتابهای او در زمینه تاریخ و سیره پیامبر است. در

جمادی الثانیه ۴۰۷ در گذشت.

متن روایت خرگوشی

خرگوشی در مورد آغاز دعوت پیامبر می نویسد:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ خَدِيجَةُ، فَقَامَتْ تَصَلِّيَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. فَجَاءَ عَلِيٌّ فَرَأَاهُمَا يَصَلِّيَانِ، فَدَخَلَ مَعَهُمَا الْإِسْلَامَ، فَقَامُوا ثَلَاثَتَهُمْ يَصَلُّونَ.

ثمَّ جَاءَ ابُو طَالِبٍ وَ هُم يَصَلُّونَ. فَقَالَ: مَا هَذَا الَّذِي أَظْهَرْتَهُ يَا مُحَمَّدُ؟ قَالَ ﷺ: هَذَا دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَفْسِهِ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ غَيْرَهُ، فَإِنْ دَخَلْتَ مَعِيَ فِيهِ وَ إِلَّا فَاتَكُمُ عَلِيٌّ.

قال ابوطالب لعلی: ألا ترى إلى محمد ما يقول؟ قال: يا أبه! إنَّ محمداً ﷺ لصادق في ما يقول، و أنا أشهد أن لا إله إلا الله و أن محمداً عبده و رسوله.

قال ابوطالب: أقيما على ما أنتما عليه، فلن ينالكما أحد بسوء. و تتابع المسلمون، و أظهر الله دينه، و أعزَّ نبيه ﷺ.

(خرگوشی، شرف المصطفى، نسخه خطی ۱۸۸۷ مکتبه الاسد دمشق، میکروفیلم ۴۸۶۱، ص ۲۴)

نکات این گزارش

۱. گزارش نومسلمانان صدر اسلام را به ترتیب زمانی یادآور می شود. از خدیجه آغاز می کند، آنگاه علی، و سومین تن را که از آیین اسلام آگاه می شود، ابوطالب می داند.

۲. ابوطالب گفت: «ما الذي أظهرته؟»

این سؤال می رساند که ابوطالب، از نبوت برادر زاده اش آگاه بود و می دانست که نمازی که می گزارند، یکی از نشانه های همین دین جدید است. لذا پرسید: «ما الذي فعلته» بلکه سخن او، آشکار کردن این دین است.

در تأیید این استنتاج، نکات زیر را باید یادآور شد:

۱-۲. نشانه هایی که در شب و روز میلاد پیامبر روی داد و همگان دیدند. مانند: سقوط بتها، خشکیدن دریاچه ساوه، و غیره. (مقریزی، ج ۴ ص ۶۰؛ قاضی عیاض، ج ۱ ص ۳۶۶؛ شنفی، ج ۸ ص

۳۸۳؛ ابن کثیر، السیره ج ۱ ص ۲۱۲) شنیطی ادعا می‌کند که این نشانه‌های شگفت، توجه همگان را به خود جلب کرده بود. (شنیطی، ج ۸ ص ۳۸۳)

آیا می‌توان پذیرفت که چنین صحنه‌هایی را که همگان دیده‌اند، ابوطالب ندیده و از آن بی‌خبر باشد؟

۲-۲. برکت از وجود مقدس پیامبر، از همان اوان کودکی دیده می‌شد، مانند آنچه زمان شیرخوردن نزد حلیمه سعديه آشکار شد. (ابن کثیر، البدایه ج ۲ ص ۳۳۴)، فرو نشستن سیل به برکت حضرتش (ابن کثیر، سیره ج ۱ ص ۲۳۲)، معجزاتی که برای حضرت عبدالمطلب آشکار شد و آن گرامی به ابوطالب در مورد پیامبر توصیه کرد. (ابن سعد ج ۱ ص ۱۱۸؛ مقریزی ج ۴ ص ۹۷؛ ابن عساکر ج ۳ ص ۸۵)

۲-۳. ابوطالب خود شاهد معجزات برادرزاده‌اش در زمان کفالت خود بر آن گرامی قبل از نبوت بود.

به عنوان نمونه:

الف. هر زمان پیامبر با فرزندان ابوطالب بر یک خوان می‌نشست، برکت غذا را می‌دیدند. لذا ابوطالب به فرزندان خود می‌گفت: بر جای خود باشید تا فرزندان (محمد ﷺ) بیایند. وقتی حضرتش می‌آمد، پس از سیر شدن همگی باز هم غذا باقی می‌ماند که به نیازمندان می‌دادند. (ابن سعد ج ۱ ص ۱۲۰؛ ابن کثیر، سیره ج ۱ ص ۲۴۲؛ مجلسی ج ۱۵ ص ۴۰۷)

ب. شخصی از بنی لهب پیشگو بود. ابوطالب، پیامبر را زمانی که نوجوان بود، همراه خود آورد. پیشگو گفت: این نوجوان آینده‌ای درخشان خواهد داشت. (ابن هشام ج ۱ ص ۱۱۶؛ ابن کثیر، البدایه ج ۲ ص ۳۴۵)

ج. بحیرای راهب نشانه‌های شگفتی دید که به ابوطالب خبر داد. (طبری ج ۲ ص ۳۲؛ ابن اسحاق ج ۲ ص ۵۴؛ طبرسی ج ۱ ص ۶۵؛ ابن سید الناس ج ۱ ص ۶۲)

د. اشعار حضرت ابوطالب قبل از بعثت نشان می‌دهد که از همان زمان برتری‌هایی برای پیامبر قائل بود. از جمله در قصیده‌ای می‌سراید:

إذا اجتمعت يوماً قریش لمفخر
فإن حصلت أشراف عبد منافها
وإن فخرت يوماً فإن محمداً
هو المصطفى من سرّها و کریمها
فبعد مناف سرّها و صمیمها
ففی هاشم أشرافها و قدیمها

(ابن کثیر، البیایة ج ۲ ص ۳۱۷)

نیز می‌سراید:

ألم تعلموا أنّا وجدنا محمداً نبياً کموسی خطّ فی أوّل الکتب

(ابن اسحاق ج ۲ ص ۱۳۸؛ ابن هشام ج ۱ ص ۲۳۵؛ کلینی ج ۱ ص ۴۴۹)

۲-۴. در گزارش خرگوشی دیدیم که وقتی ابوطالب پرسید: آنچه آشکار کرده‌ای چیست؟ پیامبر فرمود: این دین الهی است که برای خود برگزیده، و هیچ عملی از پیامبران و رسولان خود به غیر آن نمی‌پذیرد.

۳. پیامبر به ابوطالب فرمود: «فإن دخلت معی فیه؟» یعنی به ایشان پیشنهاد داد که اسلام آورد.

این پیشنهاد، پیشنهادی عادی نبود، بلکه عظمت شخصیت ابوطالب نزد پیامبر را می‌نمایاند. وگرنه با جمله‌ای دیگر می‌فرمود، مثلاً: هذا دین الله، بدون اینکه ارتباط پیامبران دیگر با این دین را تأکید کند. نیز باید به کلمه «معی» توجه شود که جایگاه ابوطالب را در این دین مبین نشان دهد.

۴. پیامبر به عموی خود فرمود: «وإلّا فاکتم علی»

اکنون باید پرسید که این درخواست کتمان برای چه امری بود؟ سه جواب می‌توان داد:

۴-۱. این خبر را که من اسلام را بر تو عرضه کردم، کتمان کن.

در سیره نبوی آمده که پیامبر، پس از رحلت ابوطالب میان قبیله ثقیف رفت و سه تن از سران آنان را به اسلام فرا خواند. آنگاه از آنان خواست که خبر آمدن پیامبر را کتمان کنند. فرمود: «إذا فعلتم ما فعلتم فاکتموه علی» (طبرسی ج ۹ ص ۱۵۴؛ ابن کثیر، سیره ج ۲ ص ۱۵۱؛

ذهبی ج ۱ ص ۲۸۳)

احتمال می‌رود که در اینجا نیز از ابوطالب خواسته تا نصرت خود از پیامبر را کتمان کند.

۲-۴. شاید جمله صحیح، «فاکتمه علیه» بوده که به صورت «فاکتمه علی» تصحیف یا تحریف شده باشد. احتمال دستکاری در لفظ این گزارش، از سوی راوی یا یکی از کاتبان یا شخص خرگوشی می‌رود، تا با خبر جعلی ضحضاح که بخاری روایت کرده، سازگار شود. با توجه به نمونه‌های فراوانی از تصحیف و تحریف که در متون کتابها نقل شده است (فضلی ص ۱۷۹-۱۹۵)، این احتمال تقویت می‌شود.

۳-۴. درخواست پوشاندن شخص پیامبر از آزار مشرکان.

اما احتمال نخست، صحیح‌ترین احتمال به نظر می‌آید.

۵. گفت‌وگوی ابوطالب با امیرالمؤمنین علیه السلام در آن زمان نشان می‌دهد که او در آن زمان اسلام آورده بود.

پدر به پسر گفت: ألا تری إلی محمد ما یقول؟ (می‌بینی که محمد صلی الله علیه و آله چه می‌گوید؟) و پسر پاسخ می‌دهد: یا أبه! إنَّ محمداً صادق فی ما یقول، و أنا أشهد أن لا إله إلا الله و أن محمداً عبده و رسوله.

امیرالمؤمنین در اینجا اسلام خود را اظهار می‌دارد.

از این گفت و گو می‌فهمیم:

۱-۵. ابوطالب می‌خواست مطمئن شود که نماز گزاردن فرزندش نه از روی محبت نسبت به پسر عمویش و روابط عاطفی میان آن دو، بلکه از روی ایمان و عقیده است.

۲-۵. کلام امیرالمؤمنین علیه السلام دو جمله دارد: جمله اول اعلام اینکه پیامبر در مدعای خود صادق است، و کلام دوم الفاظ شهادتین. در اینجا حضرتش در کمال ادب و زیرکی شهادتین را به پدر آموخت، و تذکر داد.

۳-۵. ابوطالب به صراحت به پیامبر و علی علیهما و آلهما السلام می‌گوید که بر این

دین بمانید و وعدهٔ حمایت از آنها می‌دهد. این نوعی بیان زیرکانه است از اعلام اسلام آوردن، گرچه لفظ شهادتین را آشکارا به زبان نیاورده باشد.

۶. در اینجا کلام محمد ابوزهره استاد الازهر را می‌آوریم که در ضمن سیره نبوی به بحث مربوط به ابوطالب می‌رسد و چنین نتیجه می‌گیرد:

«ما چنین استنباط کرده‌ایم که ابوطالب هرگز مشرک نبوده است. زیرا مشرک کسی است که بتها را همراه با خدای واحد بپرستد. اما کردار و مواقف ابوطالب دلالت می‌کند که او هرگز بت نپرستیده و آن کار را باطل می‌دانسته است.» (ابوزهره ج ۱ ص ۵۳۰ و ۵۳۵)

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. شرح نهج البلاغة. بیروت: دار إحياء الكتب العربية.
 ابن اسحاق، محمد. سيرة ابن اسحاق. معهد الدراسات و الأبحاث للتعريف.
 ابن سعد، محمد. الطبقات الكبرى. بیروت: دار صادر.
 ابن سید الناس. عیون الأثر. بیروت: عزالدین، ۱۴۰۶.
 ابن صباغ.
 ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵.
 ابن کثیر، السیرة النبویة. بیروت: دار المعرفة، ۱۳۹۶.
 ابن کثیر، البدایة و النهایة. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸.
 ابن هشام، السیرة النبویة. قاهره: محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳.
 ابوزهره، محمد. خاتم النبیین.
 ابوالفرج، الاغانی.
 امینی، عبدالحسین. الغدير. بیروت: دا الكتاب العربی، ۱۳۸۷.
 حسنی، نبیل. ابوطالب ثالث من أسلم. كربلا: العتبة الحسينية المقدسة، ۱۴۲۹.
 حویزی، عبد علی. نور الثقلین.
 خرگوشی، عبدالملک. شرف المصطفی. نسخه خطی مکتبه الاسد دمشق، شماره ۱۸۸۷ خطی و ۴۸۶۱ میکروفیلم.
 ذهبی، سیر اعلام النبلاء. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳.

- ذهبي، الكاشف.
- ذهبي، تاريخ الإسلام. بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٧.
- شنقيطي، أضواء البيان. بيروت: دارالفكر، ١٤١٥.
- طبري، محمد بن جرير. تاريخ الامم و الملوك. بيروت: الاعلمي، ١٤٠٣.
- طبرسي، مجمع البيان. بيروت: الاعلمي، ١٤١٥.
- فضلي، عبدالهادي. اصول تحقيق التراث.
- فيض، محسن. تفسير الصافي.
- قاضي عياض، الشفا بتعريف حقوق المصطفى. بيروت: دارالفكر، ١٤٠٩.
- قمي، علي بن ابراهيم. تفسيرالقمي. قم: دار الكتب، ١٤٠٤.
- كليني، محمد بن يعقوب. الكافي. تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٩.
- مجلسي، محمد باقر. بحار الانوار. بيروت: مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣.
- مرتضى، جعفر. الصحيح من سيرة النبي الاعظم.
- مقریزی، امتاع الاسماع. بيروت: محمد علي بيضون، ١٤٢٠.